

نگاهی به جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة*

سید محمدرضا حسینی جلالی
ترجمه و تتمیم: جویا جهانبخش

چکیده

اینکه آیا ماهِ رمضان همیشه سی روز است یا بیست و نه روز هم می‌تواند شد و نقصان می‌تواند پذیرفت، از مسائل مورد اختلاف دانشمندان امامی در آغازِ غیبتِ کبری بوده است و ایشان را به دو گروه «أصحاب عدد» و «أصحاب رؤیت» تقسیم کرده. گفتارِ حاضر با عنایت ویژه به رساله‌ای از شیخ مفید در دفاع از نظریهٔ أصحاب رؤیت و ردّ نظریهٔ أصحاب عدد، پروندهٔ این بحثِ تاریخمند را بر می‌رسد. کلید واژه: رمضان، أصحاب عدد، أصحاب رؤیت، شیخ مفید

سرشت ماههای قمری و آنچه سنن مردمان بر آن استقرار یافته، آن است که ثبوت ماه، از هلال و بیرون آمدن آن از مُحاق و پدیدار شدنش در آفاق تبعیت می‌کند؛ و چون هلال رؤیت گردید، ماه جدید آغاز می‌گردد - خواه ماهِ پیشینش سی روز بوده باشد یا بیست و نه روز.

این روند بی‌گفت و گو، در همهٔ ماهها جریان دارد و ماه گاه تمام می‌گردد و گاه ناقص می‌ماند؛ مگر در ماه مبارک رمضان؛ که برخی از محدّثان قدیم بدان گرائیده‌اند که این ماه هرگز کمتر از سی روز نمی‌شود و در این باره به سه دلیل استناد کرده‌اند: نخست: پاره‌ای از احادیث که در این باب رسیده است.

*. این گفتار، ترجمهٔ بخشی است از نظرات فی ثواب الشیخ المفید که متن کامل آن به ترجمه و تتمیم همین ترجمان تحت عنوان کارنامهٔ شیخ مفید در دست آماده سازی است.

دوم: این سخن خدای متعال < در قرآن > که می‌فرماید: ﴿وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ﴾ (س ۲، ی ۱۸۵؛ یعنی: تا آن شمار را کامل کنید)؛ بدان گونه که آن را بر کامل کردن شمار ماه به سی روز حمل می‌کنند.

سوم: این سخن امام صادق - علیه السلام - که فرموده: «>...< خذُوا بِأَعْدِهِمَا مِنْ قَوْلِ الْعَامَّةِ»^۱ (یعنی: >چون دو حدیث ناهمساز، از ما به شما رسد [...]<، به آن یکی که از قول عامّه^۲ دورتر است تمسک کنید، چه عامّه قائل اند به ناتمامی ماه رمضان. عیارسنجی اینگونه استدلالها و ردّ یا قبولشان و اینکه آیا ماه مبارک رمضان همیشه سی روزه است یا گاه مانند دیگر ماهها بیست و نه روزه می‌شود، یکی از مسائل مهم مورد اختلاف و بحث در میان دانشمندان امامی سده‌های چهارم و پنجم هجری بوده است. دودستگی بر اثر نوع داوری درباره این مسأله تا به آنجا پیش رفت که در همان روزگاران طرفداران نظریّه نخست - که سرآمدن عدد سی را ملاک به پایان رسیدن روزهای رمضان می‌دانستند - به «أصحاب العدد» و طرفداران نظریّه دوم که رؤیت هلال رمضان را ملاک آغاز رمضان و رؤیت هلال شوال را ملاک پایان رمضان می‌گرفتند و بیست و نه روزه شدن رمضان را به آسانی برمی‌تافتند - به «أصحاب الرّؤية» نامبردار گردیدند.^۳

اگرچه - به قول بعضی فضلاء معاصر - بطلان نظریّه «أصحاب العدد» امروزه قریب به بدهات است،^۴ باید به خاطر داشت که در آن روزگاران این نظریه طرفدارانی راسخ و گرمرو داشته است.

شیخ بزرگوار، صدوق - رضوان الله علیه - دست کم در دورانی از حیات علمی‌اش، از «أصحاب عدد» بوده و هم در کتاب خصال و هم در کتاب من لایحضره الفقیه از این نظریه به شدت دفاع کرده است.^۵

وی در خصال پس از آوردن اخباری چند در این باب که «شَهْرُ رَمَضَانَ ثَلَاثُونَ يَوْمًا لَا يَنْقُصُ أَبَدًا» (/ ماه رمضان سی روز است و هرگز کاستی نمی‌پذیرد) می‌نویسد:

مَذْهَبُ خَوَاصِّ الشَّيْعَةِ وَأَهْلِ الْإِسْتِصَارِ مِنْهُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُ عَنْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا أَبَدًا؛ وَالْأَخْبَارُ فِي ذَلِكَ مُوَافِقَةٌ لِلْكِتَابِ وَ مُخَالَفَةٌ لِلْعَامَّةِ؛ فَمَنْ ذَهَبَ مِنْ ضَعْفَةِ الشَّيْعَةِ إِلَى الْأَخْبَارِ الَّتِي وَرَدَتْ لِلْمُتَّقِيَةِ فِي أَنَّهُ يَنْقُصُ وَيُصِيبُهُ مَا يُصِيبُهُ الشُّهُورُ مِنَ التَّقْصَانِ وَالتَّمَامِ، اتَّقِيَ كَمَا تُتَّقَى الْعَامَّةُ وَلَمْ يُكَلِّمْ إِلَّا بِمَا يُكَلِّمُ بِهِ الْعَامَّةُ؛ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.^۶

(حاصل معنا:

باورِ خواصّ شیعیان و دیده‌ورانِ ایشان در بابِ ماهِ رمضان آن است که هیچگاه از سی روز کمتر نمی‌شود، و احادیث در این باره با کتاب خدا [قرآن] سازگار و با طریقهٔ عامّه مخالف است. پس آن ضعیفانِ شیعه که در این باور که ماه رمضان کاستی می‌پذیرد و همان نقصان و کمال که بر سرِ دیگر ماهها می‌آید در حقّ ماه رمضان نیز هست، به اخباری گرائیده‌اند که از رویِ تقیه رسیده، باید همانگونه که از عامّه تقیه می‌کنیم، از ایشان نیز تقیه کنیم و با ایشان جز همان نگوئیم که با عامّه می‌گوئیم؛...)^۷

همو در کتاب من لا یحضره الفقیه پس از آوردن احادیثی چند مبنی بر نقصان ناپذیری و سی روزگی ماه مبارک رمضان می‌نویسد:

مَنْ خَالَفَ هَذِهِ الْأَخْبَارَ وَذَهَبَ إِلَى الْأَخْبَارِ الْمُوَافِقَةِ لِلْعَامَّةِ فِي ضِدِّهَا. أَتَقِي كَمَا يُتَّقَى الْعَامَّةُ وَلَا يُكَلِّمُ إِلَّا بِاللَّفْقَةِ كَأَنَّا مَنْ كَانَ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُسْتَرَشِدًا فَيُرْشَدُ وَيُبَيِّنُ لَهُ، فَإِنَّ الْبِدْعَةَ إِنَّمَا تُمَاتُ وَتُبْطَلُ بِتَرْكِ ذِكْرِهَا؛ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.^۸

(حاصل معنا:

کسی که با این احادیث مخالفت کند و به احادیثی که در ضدیت با این احادیث و موافق طریقهٔ عامّه است بگراید، همانگونه که از عامّه تقیه می‌کنیم، از او نیز تقیه می‌کنیم و هرکه باشد جز به تقیه با وی سخن نمی‌گوئیم؛ مگر آنکه در جستجوی حقیقت باشد؛ که در این صورت باید او را به حقیقت رهنمون شد و مطلب را از برای او روشن نمود؛ چه، بدعت، با وانهادن یادکردش نابود گردیده تباه می‌شود؛...)^۹

چنان که دیده می‌شود دفاع صدوق از این باور سخت و راسخ و گرمروانه است و حتی «اصحاب رؤیت» را آشکارا به «بدعت» متهم می‌کند؛ لیک در مقنع و هدایه و اُمالی هیچ سخنی از عدد به میان نیاورده، و تنها رؤیت را علامت دانسته است و حتی در مقنع آشکارا از امکان بیست و نه روزگی رمضان سخن رانده.^{۱۰}

این نظر اخیر صدوق را عدول از رأی محدثانّه پیشین و نوعی تمایل وی به مکتب اجتهادی بغداد قلم داده‌اند.^{۱۱}

قابل توجه است که خود شیخ مفید از کسانی است که در آغاز در زمره «اصحاب عدد» بوده و به سال ۳۶۳ ه. ق، در بیست و اند سالگی، رساله‌ای تحت عنوان لمح البرهان فی عدم نقصان شهر رمضان (یا: لمح البرهان فی کمال شهر رمضان) در دفاع از این نظریه نوشته بوده است. این رساله که هم اکنون در دست نیست در اختیار ابن طاوس بوده و او، هم

در اقبال (/ در «مضمار السبق») و هم در فلاح السائل، از آن نقل کرده است. مفید که این رساله را به تأثر از رأی مختار برخی مشایخ خود چون صدوق و برادرش و هارون بن موسی تلکبری (درگذشته به ۳۸۵ ه. ق) و شریف ابومحمد حسن بن حمزه علوی مرعشی طبری (درگذشته به ۳۵۸ ه. ق) و ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی (در گذشته به سال ۳۶۸ ه. ق) نوشته بوده است، در آن به ردّ قول شیخ خود، ابوالحسن محمد بن أحمد بن داود قمی (درگذشته به ۳۶۸ ه. ق) که از «اصحاب رؤیت» بوده و رساله‌ای در ردّ قول ابن قولویه در این باره داشته است، پرداخته و از رای اصحاب عدد - مانند ابن قولویه - دفاع کرده است.^{۱۲}

وی البته تبدل رای حاصل کرد و از عقیده به «عدد» عدول نموده، به نظر «اصحاب رؤیت» عقیده‌مند شد و آنگاه به صراحت در دفاع از نظریه «اصحاب رؤیت» قلمفرسایی‌ها کرد. در مصباح الثور با محمد بن احمد بن داود قمی همسو شد و امکان بیست و نه روزگی رمضان را پذیرفته از حیث تمامت و نقصان رمضان را چو دیگر ماهها قلم داد.^{۱۳}

بدین ترتیب، شیخ مفید - چونان جمهور فقیهان - معتقد است که حکم ماه رمضان حکم دیگر ماههای قمری است که گاه نیز نقص بر آن عارض می‌شود > و ناتمام می‌ماند <; و ملاک پایان آن جز رؤیت هلال سؤال نیست.

> شیخ مفید رساله جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة را نیز در همین باره به نگارش کشیده < و در این رساله با عقیده آن گروه از محدثان مخالفت کرده، و به سود قول مشهور > میان فقها <، به استدلال پرداخته است.

آنان که از آغاز رساله جوابات اهل الموصل برمی‌آید مردی از شیعیان باشنده موصل به یکی از آشنایان شیخ - که مع الاسف نام او در رساله مورد تصریح واقع نشده است - نامه نوشته بوده و از وی خواسته بوده تا از شیخ پیرسد که: آیا ماه رمضان همانگونه که سی روز می‌شود، بیست و نه روز هم می‌شود؟ و آیا اگر بیست و نه روز بود، ماه کامل به حساب می‌آید یا کامل خوانده نمی‌شود؟ همچنین درباب عقیده شیعیانی که قائل به «عدد» و منکر بیست و نه روز شدن رمضان‌اند و دلیل ایشان بر این عقیده و دلیل نادرستی عقیده‌شان و... از شیخ جویا شود.

شیخ که رساله را خطاب به آشنای خویش نوشته، او را به رساله مطولی که در این باره نگاشته و مصباح الثور نام کرده است ارجاع می‌دهد، لیک پایندان می‌شود که در این

رساله نیز لختی از نکات راهگشا را در این باره قلمی کند.

هرچند مصباح الثور در دست ما نیست تا سنجش کیفی روشنی میان آن و جوابات اهل الموصل به عمل آوریم، دور نیست تعبیر یکی از پژوهشگران معاصر که به صراحت جوابات اهل الموصل را تلخیص مصباح الثور قلم می‌دهد،^{۱۴} درست باشد.

رساله جوابات اهل الموصل از دیرینه‌ترین اسناد مبسوط مکتب اجتهاد در مذهب امامی است و < شیوه استدلال شیخ مفید و بحث او با مخالفان، تصویری از آن طریقه فقهی که قداماء مجتهدان می‌پیموده‌اند به دست ما می‌دهد و از نشانه‌های اجتهاد در روزگاران بسیار دور، پرده برمی‌گیرد.

شگفت آن است که می‌بینیم شیخ مفید در این رساله بر اسلوبهایی استدلالی تکیه می‌کند که آن اسلوبها در طریقه‌های فقهی معاصر ما نیز مورد اعتماد و اتکاء اند.

او پس از آنکه حجّیت آنچه را که از آیات قرآن برمی‌آید و از لفظ آیه دریافت می‌شود، اثبات می‌کند - به آیه قرآن استدلال می‌نماید.

سپس به اطلاق عرفی و مفهوم متداول در میان مردمان روی می‌آورد و آنگاه مسألات فقهی را که مستلزم ثبوت رای مشهوراند گواه می‌گیرد. همچنین متعرض أدله مخالفان می‌شود که اهم آنها اخبار مرویه‌ای هستند که شیخ آنها را از حیث سند و دلالت مردود می‌شمارد.

وی سپس این سخن خدای متعال را که می‌فرماید: «لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» < س ۲، ی ۱۸۵ >، بدین تفسیر می‌کند که مراد از آن کامل گردانیدن روزه ماه رمضان بنا بر شمار آن است، خواه ماه تمام باشد و سی روزه، و خواه ماه ناقص باشد و بیست و نه روز؛ و آیه در صدد تعیین این شمار (/ العِدَّة) نیست.^{۱۵}

شیخ مفید همچنین استناد به این سخن امام صادق - علیه السلام - را که فرموده: «خذوا بما خالف العامة» (یعنی: بدانچه با < مذهب > عامّه ناسازگار است تمسک نمائید)، از این روی مردود می‌شمارد که - چنان که خواهد آمد - < به عقیده وی > این سخن ناظر به احکام شرعی نیست.

در فرجام رساله نیز روایات پُر شمار داللتگر بر قول مشهور را عرضه می‌دارد. گفتنی است که مسأله «عدد و رؤیت» بخش بزرگی از کوششهای علمی شیخ مفید را به خود اختصاص داده و در مؤلفات وی چند کتاب در این موضوع می‌بینیم که عبارت‌اند از:

۱. مصباح الثور فی علامات أوائل الشهور - که <از آن یاد شد و > مفید آن را در آغاز همین رساله (چنان که در فصل نخست آن می‌توانید دید) و نیز پس از آن بتکرار یاد کرده است.

> اگرچه در متن جوابات اهل الموصل نام این اثر - به همین گونه که آمد - مصباح الثور ضبط شده^{۱۶}، در برخی منابع کهن و معتبر^{۱۷} و از جمله در بعض دیگر آثار شیخ مفید^{۱۸}، از این کتاب به عنوان مصابیح الثور سخن رفته است.^{۱۹} شیخ در آغاز جوابات اهل الموصل، مصباح الثور را کتابی در أرباع منصوری (که گویا در آن زمان حجم معروف و متداولی بوده است) و به خط متوسّط در حدود یکصد و پنجاه برگ، معرفی کرده است که خواهند را در موضوع خود از دیگر نگارشها بی‌نیاز خواهد کرد.^{۲۰}

مصباح (یا مصابیح) الثور از آثار مفقود شیخ مفید است.^{۲۱} این کتاب در اختیار ابوالعبّاس نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ ه. ق) بوده،^{۲۲} ولی گویا ابن طاوس نیز آن را ندیده بوده و تنها از رهگذر بازبُردی از خود شیخ مفید از آن یاد می‌کند.^{۲۳} < ۲. جواب اهل الرّمّة فی الأهلّة و العدد.

> رقه شهری است بلند آوازه بر کرانه خاوری فرات، بین موصل و حرّان، که میان آن و حرّان دو سه روزه راه است.^{۲۴} این اثر نیز در شمار نگارشهای مفقود شیخ مفید است.^{۲۵} <

۳. جوابات اهل الموصل فی العدد والرّویة - که همین کتاب مورد گفت و گوی ماست. > مفید در المسائل السّرویّة آن را به همین نام یاد کرده است، لیک دیگران از آن به عنوان ردّ العدد و الرسالة العددیّة و جوابات المسائل الموصلیّات و الهلالیّة نیز یاد کرده‌اند.^{۲۶} نسخه‌های متعدّدی از آن هست^{۲۷} که نمودار اعتنای دانشمندان امامی است بدان. همچنین متن کامل آن را علی بن محمّد بن حسن عاملی (درگذشته به ۱۱۰۳ ه. ق)، نواده شهید ثانی - رضوان الله علیهما - در کتاب پُراج الذرّ المثور من المأثور و غیر المأثور (در طبع قم: ۱ / ۱۲۲ - ۱۳۴) نقل کرده است.^{۲۸}

۴. کتاب لمح البرهان که در جوانی و در تأیید نظریّه «أصحاب عدد» نوشته بود، لیک چنان که گفتیم از آن رأی بازگشت. متأسّفانه متن این کتاب بر جای نمانده. برخی از کتابی جداگانه به عنوان الردّ علی الصدوق فی عدد شهر رمضان یاد کرده‌اند که آن را نیز بر این فهرست می‌توان افزود.^{۲۹} به قولی این رساله همان الردّ علی ابن باویه است که ابن شهر

آشوب (در گذشته به ۵۸۸ هـ. ق) یاد کرده.^{۳۰}

یکی از کتابشناسان معاصر که رساله ردّ بر صدوق را همان رساله جوابات اهل الموصل پیشگفته می‌داند، معتقد است: «از آنجا که شیخ صدوق قائل به عدد بوده و این رساله ردّ قول به عدد است، به رساله ردّ بر صدوق مشهور شده است».^{۳۱} وی در باب الردّ علی ابن بابویه که ابن شهر آشوب یاد کرده، این احتمال را مطرح می‌داند که مربوط به ردّ نظریه سهو النبی - صلی الله علیه و آله - باشد.^{۳۲}

جوابات ابی الحسن النیشابوری و الأجوبة عن المسائل الخوارزمیه شیخ مفید نیز به گمان بعض پژوهندگان بر فهرست پیشین افزودنی است،^{۳۳} کما اینکه احتمال داده شده دو کتاب عدد الصوم والصلاة و جوابات النضر بن بشیر فی الصیام نیز که در عداد آثار شیخ مذکورند، به همین بحث راجع باشند.^{۳۴} به هر روی هیچ‌یک از این چند اثر اخیرالذکر در اختیار نیستند و داوری قطعی و روشن درباره آنها آسان نمی‌نماید.

گفتنی است ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی (درگذشته به ۴۴۹ هـ. ق)، شاگرد نامی سید مرتضی، نخست از «اصحاب عدد» بوده، ولی او نیز بسان استاد استادش، مفید، از این رأی عدول کرده و به «اصحاب رؤیت» پیوسته است. وی کتاب کوچک مختصر البیان عن دلالة شهر رمضان را در این باره و در تأیید «اصحاب عدد» نوشته بود، ولی از این قول عدول نمود، جواب الرسالة الخوارزمیه را در چهل برگ در ردّ ابوحازم مصری و ابطال عقیده به «عدد» نوشت. کتاب دیگر او در ابطال عقیده به «عدد»، الکافی فی الاستدلال است که در مصر تألیف کرده و مشتمل بر حدود یکصد برگ بوده است.^{۳۵}

بسیار درخور توجه است که مخاطب رساله ردّیه سید مرتضی بر «اصحاب عدد»، بنابر دستنوشتی که در کتابخانه آستان قدس رضوی (ع) نگاهداری می‌شود، همین شیخ ابوالفتح کراجکی بوده که رساله‌ای در تأیید رأی اصحاب عدد به نزد سید مرتضی فرستاده بوده است.^{۳۶}

بر اثر تلاشهای گسترده شیخ مفید و کسانی چون سید مرتضی که راه او را در دفاع از نظریه «اصحاب رؤیت» پی گرفتند، به مرور نظریه «اصحاب عدد» تضعیف و حتی نابود شد؛ به نحوی که ابن طاوس در سده هفتم هجری هیچ دانشمند امامی را در میان همروزگاران خویش نمی‌شناخت که قائل به چنان قولی باشد. وی در مضمار السبق

می‌گوید:

و اعلم انّ اختلاف أصحابنا فی شهر رمضان، هل يمكن أن يكون تسعة و
عشرين يوماً على اليقين، أو أنّه ثلاثون لا ينقص أبد الأبدین، فإنّهم كانوا قبل
الآن مختلفین، وأمّا الآن فلم أجد ممّن شاهدته، وأو سمعتُ به فی زماننا - وإن
كنت ما رأيته - أنّهم يذهبون إلى أنّ شهر رمضان لا يصحّ عليه التّقصان، بل هو
كسائر الشّهور فی سائر الأزمان.^{۳۷}

(حاصل معنا:

بدان که اختلاف همکیشان ما درباره ماه رمضان این بود که آیا ممکن است بی گمان
بیست و نه روز باشد یا تا همیشه سی روز خواهد بود. ایشان پیش از این در این باب
اختلاف داشتند، لیک هم اکنون در میان کسانی که دیده‌ام یا در این زمان نظرشان را
شنیده‌ام، ولی خودشان را ندیده‌ام، کسانی را نیافته‌ام که معتقد باشند کاستی پذیرفتن ماه
رمضان روا نیست؛ بلکه آن را چون دیگر ماهها در دیگر زمانها می‌دانند.)

نظریه «اصحاب عدد» تا این روزگار چنان و چندان مورد نقد و طرد واقع شده بود
که رکن رکن فقه امامی، محقق حلی - رضوان الله علیه - (در گذشته به ۶۷۶ ه. ق)، در
المعتبر، بی‌محابا، قائلان به نظریه عدد را «حشوئی» می‌خواند.^{۳۸}

امروز از تکنگاریهای ارزشمندی که در سده‌های چهارم و پنجم، در حوزه امامیه^{۳۹}
و طیّ منازعات علمی «اصحاب عدد» و «اصحاب رؤیت» پدید آمده بوده است و
احتمالاً تنها نام و نشان گوشه کوچکی از آن مجموعه در اختیار ماست، مع الأسف جز
دو رساله کامل در اختیار نداریم: یکی جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة، معروف به
الرسالة العددیة، نوشته شیخ مفید. دیگری الردّ علی أصحاب العدد نوشته سید مرتضی.

بازگردیم به جوابات اهل الموصل شیخ مفید: <

این رساله > افزون بر موضوع اصلی خود < دربردارنده چند بحث کرامند > دیگر <
است:

۱. باب نوادر را که در حدیثنامه‌ها در پایان کتابهای فقهی سامان داده می‌شود، مورد
تفسیر قرار داده و گفته است: «النّوادر هی^{۴۰} التي لا عمل علیها» (یعنی: نوادر آن احادیثی‌اند
که بنابر آنها عمل نمی‌شود). این نشان می‌دهد احادیثی که در بخش نوادر وارد می‌شوند،
فاقد حجّیت‌اند.

> البتّه از درنگی کوتاه در کتاب من لایحضره الفقیه نیک هویدا می‌شود که مردی چون

صدوق اگرچه اخبار نقصان ناپذیری ماه رمضان را در بخش «نوادر» آورده و در شمار نوادر قلم داده، به هیچ وجه به عدم حجّیت آنها قائل نبوده، بلکه آنها را صحیح می‌دانسته و به آنها عمل می‌کرده است.^{۴۱}

پس باید گفت خصیصه‌ای (از قبیل شذود یا...) در احادیث باب «نوادر» بوده که آنها را تحت این عنوان گرد می‌آورده است، با این تفاوت که این خصیصه، حدیث را نزد ناقدانی اجتهادگرا - چون مفید، تضعیف می‌نموده، ولی نزد اخباری مشربانی چون صدوق، از اعتبار نمی‌انداخته.^{۴۲}

به قولی شاید اینکه شیخ الطّائفه در تهذیب به جای عنوان «نوادر» از عنوان «زیادات» بهره برده، از روی خواهانی آن بوده که خواننده روایات آن بخش را «مستدرک» و نه از جنس روایات شاذ بشمارد.^{۴۳}

به دیگر سخن، احتمالاً اصطلاح باب «نوادر»، نزد اجتهادگرایانی چون مفید، لوازمی متفاوت از آنچه امثال صدوق بدان ملترزم می‌بوده‌اند، إلقاء و إلزام می‌کرده است - که البته باید در آن ژرف‌تر مطالعه کرد. >

۲. شیخ > به نوعی > تصریح نموده که نبود حدیث هر راوی در آن کتاب > موسوم به < «أصل»^{۴۴} که راوی یاد شده تألیف کرده است، موجب ضعف حدیث می‌گردد > و آن حدیث را در شمار ضعیف داخل می‌کند >.

> واقعیت آن است که شیخ مفید از تضعیف چنین حدیثی فراتر رفته آشکارا آن را مجعول و بر ساخته می‌داند.

عین عبارت وی درباره حدیثی مُنتسب به امام صادق - علیه السّلام - که یعقوب بن شعیب در سند آن قرار دارد، از این قرار است:

... انَّ یَعْقُوبَ بْنَ شُعَيْبٍ - رَحِمَهُ اللَّهُ - أَضْلَأَ قَدْ جَمَعَ فِيهِ كَافَّةَ مَا رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ. لَيْسَ هَذَا الْحَدِيثُ مِنْهُ؛ وَلَوْ كَانَ مِنْ رَوَاهُ يَعْقُوبُ بْنُ شُعَيْبٍ لَأُورِدَهُ فِي أَضْلِهِ الَّذِي جَمَعَ فِيهِ حَدِيثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَ خُلُوْا أَضْلِهِ مِنْهُ، دَلِيلٌ عَلَى أَنَّهُ مُوْضُوعٌ.^{۴۵}

(حاصل معنا:

یعقوب بن شعیب را - که خدایش رحمت کند! - اصلی است که در آن همه آنچه را از حضرت ابوعبدالله [/ امام صادق - علیه السّلام -] روایت کرده است گرد آورده. این حدیث، از آن اصل نیست؛ و اگر از احادیثی بود که یعقوب بن شعیب روایت کرده، هر

آینه آن را در اصل خویش که روایات خود را از حضرت ابوعبدالله [/ امام صادق] - علیه السلام - در آن گردآورده، وارد کرده بود. تهی بودن اصل یعقوب بن شعیب از این حدیث، نشان می‌دهد که این روایت مجعول است.^{۴۵}

۳. گروهی از راویان را به عنوان «الأعلام الرؤساء، المأخوذ عنهم الحلال والحرام، والفُتُيا والأحكام، والذين لا مطعن عليهم ولا طريق إلى ذم واحد منهم، وهم أصحاب الأصول المدونة، والمصنفات المشهورة» (یعنی: نامداران مهتر که مرجع حلال و حرام و فتوا و احکام‌اند و کسانی که نه طعنی در حقشان روان است و نه مذمتی متوجه هیچ‌یک از ایشان، همان کسان که صاحبان اصلهای مدون و مصنفات مشهوراند) وصف کرده است.

شاید این را که شیخ مفید این گروه را بدین ویژگیها بازخوانده، با این خصوصیت که «نه طعنی در حقشان روان است و نه مذمتی در باب هیچ‌یک از ایشان رسیده»، بتوان در اعتماد بر ایشان و بی‌نیازیشان از تصریح به وثاقت، بسنده شمرد. بدین سان، بایی گشوده می‌گردد که تکیه بر آن در بررسیهای رجالی شدنی است و اطمینان به پاره‌ای از شیوه‌های مورد تبعیت را در این باره افزایش می‌دهد.

> بسیاری از دانشمندان امامیه به این عبارت رساله مفید و اهمیت آن در علم رجال توجه داشته‌اند.^{۴۶}

۴. شیخ، مراد از مخالفت با عامه را در خصوص آنچه در مسائل امامت رسیده است می‌داند، نه در احکام شرعی.

۵. > به عقیده وی < ممکن نیست احادیثی که در باب احکام از رهگذر تقیه صدور یافته‌اند، از طرق معروف رسیده باشند و صرفاً به نحو شاذ و نادر ورود می‌یابند، نه در آنچه جمهور فقیهان نقل و بیشترینه عالمان بدان عمل می‌کنند.

> ۶. شیخ مفید درباره یکی از احادیث مورد تمسک «اصحاب عدد» - که از جوامع حدیثی متقدمان، عیناً در تهذیب و استبصار، و با تفاوت اندک سندی یا متنی در فقیه و کافی، راه یافته^{۴۷} - می‌گوید:

هذا الحديث شاذ مجهول الإسناد، لوجاء بفضل صدقة أو صيام، أو عمل بر،
لوجب التوقف فيه، فكيف إذا جاء بشيء يخالف الكتاب والسنة وإجماع الأمة
و...؛ ومن عول على مثل هذا الحديث في فرائض الله تعالى، فقد ضلّ ضللاً
بعيداً...^{۴۸}

(حاصل معنا:

این حدیث شاذ و مجهول الاسناد است. اگر در فضیلت دهشی یا روزه‌ای یا نیکوکاری رسیده بود، باز می‌بایست در آن توقف می‌کردیم؛ تا چه رسد به آنکه حکمی مخالف کتاب و سنت و اجماع امت آورده و... و هرکه در باب فریضه‌های الهی بر چنین حدیثی تکیه کند، سخت گمراه گشته!...).

همان بخش مقدم سخن شیخ مورد نظر ماست (لو جاء بفضل... / اگر در فضیلت...). بر این بنیاد، شیخ مفید چنین حدیثی را حتی برای مستحبات و مندوبات نیز دست‌آویز نیکویی نمی‌داند و این نشان می‌دهد تلقی فراخ‌دارانه برخی فقیهان در باب قاعده «تسامح در أدله سنن»، پذیرفته شیخ مفید نیست. این نحوه نگرش سبب می‌شود هر حدیث ضعیفی، به صرف دستیاب شدن در جوامع حدیثی، محمل تعیین مستحبات واقع نگردد و چهره دین اندک دیگرگون و مخدوش نشود و جغرافیای ارزشها و هنجارها (بر اثر وجود اخبار ضعیف و غیر قابل استنادی که استحباب فلان عمل از آنها مستفاد گردیده است!) برهم نخورد.

باری، این کتاب > علی رغم موضوع خاص و فقهی و فرعی‌اش و با اینکه در نگاه نخست شاید رساله‌ای در عداد صدها تکنگاری فقهی دیگر محسوب گردد <، مفید به شمار می‌رود که نزد عالمان بزرگ > شناخته و < متداول بوده و در بسیاری از کتابهای فقه و حدیث و رجال به تکرار از آن یاد شده است.

> جوابات اهل الموصِل < به ویژه از حیث آموزش روش نقد حدیث و شیوه استنباط، برای متفقهان و محدثان امروز درسهای آموزنده و ژرف و نکته‌های بررسیدنی و شگرفی دارد که بازکاویدنشان ای بسا آفاق تازه‌ای در پویایی تفقه و حدیث‌شناسی بگشاید.

از جوابات اهل الموصِل دو تصحیح در دست است:

یکی تصحیح دانشمند محترم، شیخ مهدی نجف، که به سال ۱۴۱۳ ه. ق، از سوی کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، در قم انتشار یافت و متأسفانه اگرچه با مقابله و تصحیح و سازواره انتقادی انتشار یافته، فاقد پژوهشنامه کارآمدی از مصحح است که راهنمای خوانندگان بتواند بود.

دیگر تصحیح مندرج در مجموعه میراث فقهی (۲): رؤیت هلال که هرچند علاوه بر پژوهشیانگی کار مصححان، از بازویرایی فقیه و محدث خبر و مرجع دینی عالی قدر،

آیه الله سید موسی شیرازی زنجانی، نیز برخوردار بوده، مع الأسف فاقد سازواره انتقادی و برخی ممیزات دیگر تصحیح علمی و فنی است. به نظر می‌رسد در نشر چنین آثار عتیق و عریق، باید از گزارش کوچکترین دگرسانیهای نسخ، تن نزد، و هیچ یک از فوائد سازواره انتقادی دقیق و گویا را مهمل نشمرد.

پس جای چاپ بهتری از این رساله مهم و سازنده شیخ مفید - رَفَعَ الله درجته - هنوز خالی است >.

خدای را سپاس و ستایش می‌گوئیم که ما را کامیاب گردانید و به دهش و نکوکاری‌اش از او می‌خواهیم که از ما خشنود باشد و به بزرگواری و شکوه خویش از ما درپذیرد که او خداوند شکوه و ارج است.

پی‌نوشت‌ها

۱. > شیخ مفید صورتی را که بعضی قائلان به سی روزگی همیشگی و نقصان ناپذیری رمضان از این حدیث به دست داده‌اند، مورد انتقاد قرار داده و صورت کامل آن را به دست می‌دهد.

نگر: جوابات أهل الموصل فی العدد والذوابة، تحقیق شیخ مهدی نجف، صص ۴۶ - ۴۷ >.

۲. > «عائمه» بر اهل تسنن و «خاصه» بر اهل تشیع اطلاق می‌شود. گویا آغاز این نحوه اطلاق از سوی شیعیان بوده است. این مطلب تا حدودی از آنچه ابن حجر عسقلانی (درگذشته به ۸۵۲ هـ. ق) در لسان المیزان در گزارش حال این ندیم، صاحب الفهرست می‌نویسد، برمی‌آید. وی می‌نویسد:

«... و لَمَّا طَالَغَتْ كِتَابَهُ ظَهَرَ لِي أَنَّهُ رَافِضِيٌّ مُعْتَزِلِيٌّ، فَإِنَّهُ يُسَمَّى أَهْلَ السُّنَّةِ الْحَشَوِيَّةِ وَ يُسَمَّى الْأَشَاعِرَةَ الْمُجَبَّرَةَ وَ يُسَمَّى كُلُّ مَنْ لَمْ يَكُنْ شِيعِيًّا عَامِيًّا» (لسان المیزان، ۵ / ۷۲).

(حاصل معنا:

و چون کتابش را مطالعه کردم، از برایم هویدا شد که او رافضی معتزلی است، چه، وی اهل سنت را «حشویه» می‌خواند، و اشعریان را «مُجَبَّرَه» می‌گوید، و هرکه را شیعی نباشد «عامی» می‌نامد).

(از استاد سید محمد رضا حسینی جلالی - دام غلاه - سیاست‌گزارم که توجه مرا بدین گزارش عسقلانی جلب فرمودند). >

۳. > نگر: میراث فقهی (۲): رؤیت هلال، ۱ / چهل و نه؛ و: جهود الشیخ المفید الفقہیة و مصادر استنباطه، محمد حسین نضار، صص ۱۴۱ - ۱۴۲.

عین تعبیر «اصحاب العدد» را بنگرید در: جوابات أهل الموصل شیخ مفید، ط. شیخ مهدی نجف، صص ۱۶ و ۱۹ و ۲۵ و ۳۸؛ و مسائل الناصریات سید مرتضی، ص ۲۹۲؛ و: رسائل الشریف المرتضی، ۱ / ۲۹۳، و ۱۵/۲ و ۲۰ و ۳۰ و ۳۵ و ۴۶؛ و: الاستبصار شیخ طوسی، تحقیق خراسان، ۲ / ۷۱ و ۷۶ - ۷۷؛ و: تهذیب الأحکام همو، تحقیق خراسان، ۴ / ۱۵۴ و ۴ / ۱۷۴؛ و: مجمع البیان طبرسی، ط. أعلمی، ۲ / ۲۷، و مختلف الشیعة علامه حلی، ط. مؤسسة النشر

الاسلامی، ۲۵۰۰/۳.

- اصطلاح «أصحاب الرُّوَّة» را در مقابل «أصحاب العدد» و در همین موضوع مورد گفت و گوی خویش در نگارشهای سید مرتضی می بینیم (نگر: رسائل الشَّریف المرتضی، ط. رجائی، ۲ / ۲۵ و ۳۵)؛ لیک وی این اصطلاح را در باب کسانی که به رویت باری تعالی در رستخیز قائل اند نیز به کار برده (نگر: آمالی سید مرتضی، تحقیق السید محمد بدرالدین التَّعائنی الحلبي، ۱ / ۲۸) که بالطبع پیوندی با ما نحن فيه نخواهد داشت. <.
۴. < نگر: میراث فقهی (۲)، ۱ / یکصد و هفتاد و چهار. >.
۵. < میراث فقهی (۲)، / چهل و نه. >.
۶. < الخصال، به اهتمام صادق حسن زاده، ۲ / ۷۹۸. >.
۷. < گفتنی است ترجمه آقای صادق حسن زاده از این عبارت خصال (۲ / ۷۹۹)، به ویژه در بخش فرجامین آن، تهی از لغزش نیست و با حرکتگذاری خودشان در متن عربی نیز نمی سازد. زین رو ما با استقلال ترجمه کردیم. >.
۸. < ترجمه و متن کتاب من لایحضره الفقیه، ۲ / ۵۲۴ - ۵۲۵، پس از حدیث ۲۰۴۴. >.
۹. < این را که در توضیحات ترجمه و متن کتاب من لایحضره الفقیه (۲ / ۵۲۴) آمده است: «این بر اساس عدم رویت است و در صورت رویت جای سخن و بحثی نیست»، گویا باید «تفسیر بما لا یُرضی صاحبه» قلم داد. >.
- در باب کلام صدوق، همچنین نگر: لواع صاحبقرانی، ط. اسماعیلیان ۶ / ۶۳۸ - ۶۳۹؛ و: روضة المتقین، ط. کوشانیور، ۳ / ۴۶۶ - ۴۶۷. <.
۱۰. < نگر: میراث فقهی (۲)، ۱ / پنجاه و یک. >.
۱۱. < نگر: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مقاله «ابن بابویه» به قلم آقای احمد پاکتچی. >.
۱۲. < نگر: میراث فقهی (۲)، ۱ / پنجاه؛ و: جهود الشَّیخ المفید الفقهیة، ص ۱۴۲؛ و: کتابخانه ابن طاوس، صص ۳۳۷ - ۳۳۸ و ۴۰۸ - ۴۰۹؛ و الذَّریعة، ۵ / ۲۳۶. >.
- تردید جزئی کلبرگ را در باب یگانگی کمال شهر رمضان و لمح البرهان مسطور در کتاب ابن طاوس (نگر: کتابخانه ابن طاوس، صص ۳۳۷ - ۳۳۸)، شاید همچنان در گوشه ذهن بتوان حفظ کرد. <.
۱۳. < سنج: میراث فقهی (۲)، ۱ / پنجاه - پنجاه و دو؛ و: کتابخانه ابن طاوس، ص ۴۰۹. >.
۱۴. < نگر: کتابخانه ابن طاوس، ص ۴۰۹. >.
۱۵. < از برای ملاحظه آنچه شیخ طوسی و شیخ طبرسی و راوندی و فاضل جواد و جزائری (صاحب فلاند الدُّرر) و نیز سید مرتضی - رضوان الله علیهم اجمعین - در این باره گفته اند، نگر: میراث فقهی (۲)، ۱ / ۱۲ - ۱۵ و ۱۸ - ۱۶۱ - ۱۶۴. >.
۱۶. < نگر: ط. شیخ مهدی نجف، ص ۱۵ و ۲۶ و ۴۶. >.
۱۷. < اقبال الأعمال، تحقیق قتیومی، ۱ / ۳۵؛ و: رجال الذَّجاشی، تحقیق آیه الله شبیری زنجان، ص ۳۹۹ و ۴۴۷؛ و: معالم العلماء ابن شهر آشوب، ط. بحر العلوم، ص ۱۴۹. >.
۱۸. < المسائل السَّرویة، تحقیق صائب عبدالحمید، ص ۷۵؛ و: تصحیح اعتقادات الإمامیة، تحقیق درگاهی، ص ۱۴۷. >.
۱۹. < نیز نگر: میراث فقهی (۲)، ۱ / پنجاه. >.
۲۰. < نگر: ط. شیخ مهدی نجف، ص ۱۵. >.
۲۱. < سنج: جهود الشَّیخ المفید الفقهیة...، ص ۵۵. >.

۲۲. > نگر: رجال الذجاشی، تحقیق آیه الله شبیری زنجانی، ص ۴۴۷. <
۲۳. > سنج: کتابخانه ابن طائوس، ص ۴۰۹. <
۲۴. > نگر: الذریعة، ۵ / ۱۸۱؛ و: اندیشه های کلامی شیخ مفید، ص ۴۱. <
۲۵. > سنج: جهود الشيخ المفيد الفقهية...، ص ۴۵. <
۲۶. > نگر: الذریعة، ۵ / ۱۷۷ و ۱۱ / ۲۰۹؛ و: جهود الشيخ المفيد الفقهية...، ص ۳۸؛ و: الفوائد الرجالية في بحر العلوم، ۳ / ۱۶۳ و ۱۸۴. <
۲۷. > نگر: الذریعة، ۵ / ۲۳۵. <
۲۸. > نگر: الذریعة، ۱۱ / ۲۰۹؛ و: میراث فقهی (۲): ۱ / ۱۳۴؛ و: کتابخانه ابن طائوس، ص ۴۰۹. <
۲۹. > نگر: جهود الشيخ المفيد الفقهية...، ص ۱۴۳ و ۴۸. <
۳۰. > نگر: جهود الشيخ المفيد الفقهية...، صص ۴۸ - ۴۹. <
۳۱. > میراث فقهی (۲)، ۱ / ۱۳۴. <
- البته تقدّم در قول به این اتحاد از آن پیشینیان است. نگر: الفوائد الرجالية وحید بهیانی (ضمیمه رجال الخافانی)، ص ۳۴؛ و: الفوائد الرجالية سيّد بحر العلوم، ۳ / ۶۵؛ و: خاتمة مستدرک الوسائل، ۳ / ۴۷۸. شاید از بعض دستنوشتهای رساله نیز این اتحاد مستفاد شود.
- سنج: جهود الشيخ المفيد الفقهية...، ص ۱۴۴. <
۳۲. > نگر: میراث فقهی (۲)، ۱ / ۱۳۴. <
۳۳. > نگر: جهود الشيخ المفيد الفقهية...، ص ۱۴۳. <
۳۴. > نگر: جهود الشيخ المفيد الفقهية...، ص ۱۴۴. <
۳۵. > نگر: الذریعة، ۵ / ۱۸ و ۱۱ / ۲۰۹ و ۱۸ / ۳۴۰ - ۳۴۱ و ۲۰ / ۱۸۳؛ و: خاتمة مستدرک الوسائل، ط. مؤسسه آل البيت - عليهم السلام - ۳ / ۱۲۹ و ۱۳۳. و: اقبال الأعمال، ط. قیومی، ۱ / ۳۵. <
۳۶. > نگر: میراث فقهی (۲)، ۱ / ۱۵۳. <
۳۷. > اقبال، ط. قیومی، ص ۳۳. <
۳۸. >المعتبر، ط. مؤسسه سيّد الشهداء - عليه السلام - ۲ / ۶۸۸. <
۳۹. > به یاد داشته باشیم نظیر گرایش «أصحاب عدد» امامی مذهب، در میان اسماعیلیّه نیز بوده است؛ چنان که حمیدالدین کرمانی در الرسالة اللازمة و این ابی عمران (درگذشته به ۴۷۰ هـ. ق) در السيرة المؤيدية، همین نظریه را مطرح کرده اند. نگر: الذریعة، ۱۵ / ۲۳۳.
- حمیدالدین الرسالة اللازمة را در پاسخ کسی نوشته است که روزه داشتن شیعیان اسماعیلی را پیش از عامّه، مورد طعن قرار داده بود. نگر: الذریعة، ۱۸ / ۲۶۷.
- آنچه حمیدالدین درباره آن به روشنگری پرداخته، گویا همان روندی است که گوشه ای از اخبارش در کتاب نقض عبدالجليل قزوینی رازی بازتابفته. نگر: نقض، تحقیق محدث أرموی، صص ۵۶۸ - ۵۶۹؛ و نیز سنج: صص ۶۱۸ - ۶۱۹. <
۴۰. > «هی» - احتمالاً در چاپ از قلم افتاده بود؛ از متن رساله مفید (ط. شیخ مهدی نجف، ص ۱۹) برافزودیم. <
۴۱. > کما اینکه مجلسی اوّل - رضوان الله علیه - در لوامع صاحبقرانی می نویسد: «این بابی است در احادیث شاذّه نادره

- و لیکن اگرچه نادر است، اما به آن عمل کرده است صدوق.» (ط. إسماعیلیان، ۶ / ۶۳۴).
- بلکه به قول مرحوم آیه الله خوئی، شیخ صدوق در صحیح شمردن احادیث نقصان ناپذیری رمضان بسیارکوشی و مبالغت به خرج می دهد (نگر: معجم رجال الحديث، ۱ / ۳۰). <
۴۲. وحید بهبهانی هوشیارانه بدین تفاوت تفتّن ورزیده است. نگر: الفوائد الرجالية ضمیمه رجال الخاقانی، ص ۳۴؛ و: طرائف المقال بروجردي، ۲ / ۳۶۲. گرچه این تفتّن به تفاوت، ریشه در سلف او دارد؛ نگر: روضة المتین، ط. کوشانیور، ۳ / ۴۶۳. <
۴۳. > نگر: کلیات فی علم الرجال سبحانی، ص ۴۷۹ (هایش). <
۴۴. > «اصل» اصطلاحاً بر شماری از تألیفات روات امام صادق - علیه السلام - اطلاق می گردد که غالباً دربردارنده احادیث مروی از طریق سماع از آن حضرت بوده.
- تفصیل را، نگر: اصول اربعه، علامه محمد حسین حسینی جلالی، ترجمه جویا جهانیخس، Chicago: The open school. <
۴۵. > جوابات أهل الموصل، ص ۲۴. <
۴۶. > نمونه را، نگر:
- مفتاح الکرامه ۵ / ۴۶۶؛ و: خاتمة مستدرک الوسائل، ۴ / ۲۱۵ و ۵ / ۴۱۲؛ و: سماء المقال ۲ / ۷۹؛ و: المعتمد فی شرح المناسک خلخالی (تقریرات آیه الله خوئی) ۴ / ۱۷۹؛ و: المكاسب المحرمه آیه الله خمینی ۱ / ۲۱۲. <
۴۷. > نگر: جوابات أهل الموصل ط. شیخ مهدی نجف، صص ۲۱-۲۲. <
۴۸. > جوابات أهل الموصل، ط. شیخ مهدی نجف، ص ۲۲. <

کتابنامه ترجمان

- إقبال الأعمال، السید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاوس (۵۸۹-۶۶۴ ه. ق)، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، ۳ ج، ط: ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴-۱۴۱۶ ه. ق.
- الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، شیخ الطائفة أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسی (ف: ۴۶۰)، ۴ ج، حققه وعلق علیه: السید حسن الموسوی الخراسانی، طهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۰ ه. ق.
- الخصال المحموده والمذمومة، شیخ صدوق (محمد بن علی بن بابویه / درگذشته به ۳۸۱ ه. ق)، ترجمه صادق حسن زاده، ج ۲، چ ۱، قم: انتشارات فکرآوران، ۱۳۸۴ ه. ش.
- الدّریعة الی تصانیف الشّیعة، الشّیخ آقا بزرگ الطّهرانی، ط: ۳، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ ه. ق.
- الفوائد الرجالية، السید بحر العلوم - رجال السید بحر العلوم.

الفوائد الرجالية، الوحيد البهبهاني (١٢٠٥ هـ. ق)، ط. به ضمیمه رجال الخاقاني.

المسائل السروية، الشيخ المفيد (محمد بن محمد بن النعمان، ابن المعلم، ابو عبدالله العكبري البغدادي / ٣٣٦ - ٤١٣ هـ. ق)، تحقيق صائب عبد الحميد، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ. ق.

المعتبر في شرح المختصر، المحقق الحلي (نجم الدين ابوالقاسم جعفر بن الحسن / ف: ٦٧٦ هـ. ق) تحقيق عدة من الأفاضل، بإشراف آية الله ناصر مكارم الشيرازي، ٢ ج، ط: ١، قم: مؤسسة سيد الشهداء - عليه السلام - ١٣٦٤ هـ. ش.

المعتمد في شرح المناسك (محاضرات آية الله السيد ابوالقاسم الموسوي الخوئي)، السيد رضا الخلخالي، ج ٤، ط: ١، ١٤٠٧ هـ. ق.

المكاسب المحرمة، آية الله روح الله الموسوي الخميني، ٢ ج، قم: مؤسسة اسماعيليان، ط: ٣، ١٤١٠ هـ. ق.

انديشه های کلامی شیخ مفید، مارتین مکدرموت، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٧٢ هـ. ش.

أصول أربعمأه، محمد حسين حسيني جلالی، ترجمه جویا جهانبخش، Chicago: The open school

ترجمه و متن کتاب من لایحضره الفقيه شیخ صدوق، مترجم: صدر بلاغی و محمد جواد غفاری، ج: ٢، ج: ١، تهران: نشر صدوق، ١٣٦٩ هـ. ش.

تصحیح اعتقادات الإمامية، الشيخ المفيد (محمد بن محمد بن النعمان، ابن المعلم، أبو عبدالله العكبري البغدادي / ٣٣٦ - ٤١٣ هـ. ق)، تحقيق حسين درگاهي، ط: ٢، بيروت: دارالمفيد، ١٤١٤ هـ. ق.

تهذيب الأحكام، شيخ الطائفة أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (ف: ٤٦٠ هـ. ق) حققه و علّق عليه: السيد حسن الموسوي الخرسان، ١٠ ج، طهران: دارالكتب الإسلامية، ١٣٩٠ هـ. ق.

جوابات أهل الموصل في العدد والرؤية، الشيخ المفيد (محمد بن محمد بن النعمان، ابن المعلم، أبو عبدالله العكبري البغدادي / ٣٣٦ - ٤١٣ هـ. ق)، تحقيق الشيخ مهدي نجف، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ. ق.

جهود الشيخ المفيد الفقهية و مصادر استنباطه، محمد حسين نصار، ط: ١، قم: مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامی حوزه علمیه قم، ١٣٧٩ هـ. ش / ١٤٢١ هـ. ق.

- خاتمة مستدرک الوسائل، الميرزا حسين التوري (۱۲۴۵ - ۱۳۲۰ ه. ق)، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت - عليهم السلام - لإحياء التراث، ۱۴۱۵ - ۱۴۱۶ ه. ق.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامي، زير نظر سيد كاظم موسوي بجنوردي، تهران: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي.
- رجال الخافاني، الشيخ علي الخافاني (ف: ۱۳۳۴ ه. ق)، تحقيق السيد محمد صادق بحر العلوم، قم: مكتب الإعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ ه. ق.
- رجال السيد بحر العلوم المعروف بالفوائد الرجالية، السيد محمد المهدي بحر العلوم الطباطبائي (۱۱۵۵ - ۱۲۱۲ ه. ق)، حقه و علق عليه: محمد صادق بحر العلوم (و) حسين بحر العلوم، ۴ ج، طهران: مكتبة الصادق، ۱۳۶۳ ه. ش.
- رجال النجاشي ← فهرست اسماء مصنفی الشيعة.
- رسائل الشريف المرتضى، تقديم وإشراف: السيد أحمد الحسيني [الاشكوري]، اعداد: السيد مهدي الرجائي، ط: ۱، ج: ۱ و ۲، قم: دارالقرآن الكريم، ۱۴۰۵ ه. ق.
- روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، المولى محمد تقی المجلسي (۱۰۷۰ - ۱۰۰۳ ه. ق)، نمقه و علق عليه و أشرف على طبعه: السيد حسين الموسوي الكرمانی و الشيخ علي پناه الاشتهااردی ج: ۳، بنياد فرهنگ اسلامي حاج محمد حسين كوشانيور، بي تا.
- رؤيت هلال، به كوشش رضا مختاري و محسن صادقي، ج: ۱، ج: ۱، قم: بوستان كتاب قم، ۱۳۸۴ ه. ش.
- سماء المقال في علم الرجال، ابوالهدي الكلبي (ف: ۱۳۵۶ ه. ق)، تحقيق السيد محمد الحسيني القزويني، ۲ ج، ط: ۱، قم: مؤسسة ولي العصر - عليه السلام - للدراسات الإسلامية، ۱۴۱۹ ه. ق.
- طرائف المقال في معرفة طبقات الرجال، السيد علي أصغر بن السيد محمد شفيع الجابلقی البروجردی (ف: ۱۳۱۳ ه. ق)، ۲ ج، تحقيق السيد مهدي الرجائي، ط: ۱، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ۱۴۱۰ ه. ق.
- فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، أبو العباس احمد بن علي بن احمد بن العباس النجاشي الأسدي الكوفي (۳۷۲ - ۴۵۰ ه. ق)، تحقيق: آية الله السيد موسى الشبيري الزنجاني، ط: ۵، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۶ ه. ق.

کتابخانه ابن طوس و احوال و آثار او، اتان کلبیگ، ترجمه سیّد علی قرائی و رسول جعفریان، ج: ۱، قم: کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۳ ه. ق.

کتابیات فی علم الرجال، الشیخ جعفر السبحانی، ط: ۳، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین، ۱۴۱۴ ه. ق.

لسان المیزان، شهاب الدّین أبو الفضل أحمد بن علی بن حجر العسقلانی (ف: ۸۵۲)، ج: ۷، ط: ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ه. ق.

لوامع صاحبقرانی (مشتهر به: شرح فقیه)، علامه محمد تقی مجلسی (أول)، ج: ۶، ج: ۱، قم: انتشارات دارالتفسیر (اسماعیلیان)، ۱۳۷۵ ه. ش.

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، أمین الاسلام أبو علی الفضل بن الحسن الطّبرسی، ج: ۱۰، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ه. ق.

مختلف الشیعة، العلامة الحلّی (أبو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الأسدی / ۶۴۸ - ۷۲۶ ه. ق)، ج: ۹، تحقیق و نشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین بقم المشرفة، قم: ۱۴۱۲ ه. ق.

مسائل الناصریات، علم الهدی السّید الشّریف المرتضی (علی بن الحسین بن موسی / ۳۵۵ - ۴۳۶ ه. ق)، تحقیق: مرکز البحوث والدراسات العلمیة، طهران: رابطة الثقافة والعلاقات الإسلامیة، ۱۴۱۷ ه. ق.

معالم العلماء، ابن شهر آشوب (أبو عبدالله محمد بن علی / ف: ۵۸۸ ه. ق)، قم (افست از روی ط. المكتبة الحیدریّة نجف اشرف / ۱۳۸۰ ه. ق).

معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، آیه الله السّید أبو القاسم الموسوی الخوئی، ج: ۵، ط: ۵، ۱۴۱۳ ه. ق.

مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، السّید محمد جواد الحسینی العاملی (ف: ۱۲۲۶ ه. ق)، حقّقه و علّق علیه: الشّیخ محمد باقر الخالصی، ج: ۵، ط: ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسین، ۱۴۱۹ ه. ق.

میراث فقهی (۲): رؤیت هلال - رؤیت هلال مؤسسه آل البيت - علیهم السّلام - لإحياء التراث، ۱۴۱۵ - ۱۴۱۶ ه. ق.

نقض (معروف به: بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الزوافض)، نصیرالدّین أبو الرّشید عبد الجلیل قزوینی رازی، به تصحیح میر جلال الدّین محدث (أرموی)، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ه. ش.